

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

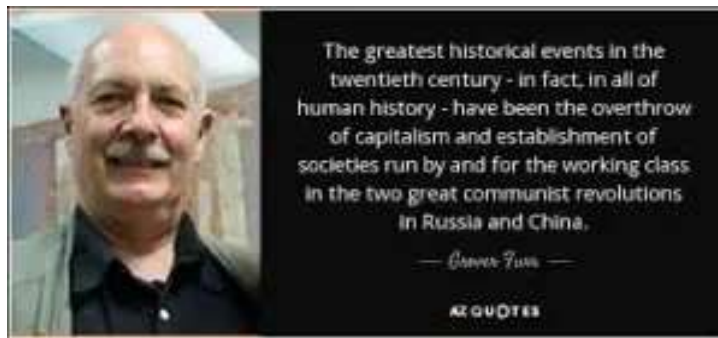
[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

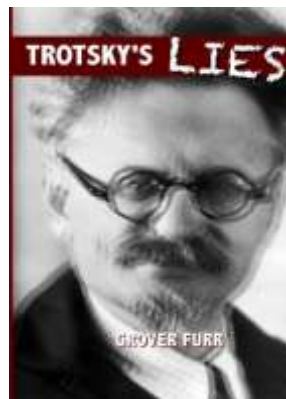
سیاسی

نوشته: گرویر فور  
برگردان: آمادور نویدی  
19 نومبر 2024



## تروتسکی و روزهای ماه مه ۱۹۳۷ بارسلون

(1)



**چکیده:**

این مقاله به تحقیقاتی پرداخته که دروغ‌ها و توطئه‌های تروتسکی را آشکار می‌سازد. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه این اسناد درک مرسوم از حذف برخی از تروتسکیست‌ها توسط کمیساریای خلق در امور داخلی (NKVD) - پولیس امنیتی شوروی و کمونیست‌های اسپانیایی، طی جنگ داخلی اسپانیا را تغییر می‌دهد. خلاصه ای از شرح وقایع به ترتیب زمانی، شورش روزهای ماه مه ۱۹۳۷ بارسلون در پیوست آمده است. اسنادی که طی چند دهه گذشته به دست آمده، ثابت می‌کند که تروتسکی (Leon Trotsky) جهت مخفی کردن توطئه هایش علیه رژیم ستالین در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی (USSR)، دروغ‌های زیادی گفته است.

پی‌یربرو (Pierre Broué)، مشهورترین تاریخ‌دان تروتسکیستی آن‌زمان در دنیا، در سال ۱۹۸۰، و سال‌های متعاقب، کشف می‌کند که تروتسکی «بلوک راست‌ها و تروتسکیست‌ها» را تأیید نموده، بلوکی که وجودش مهم‌ترین اتهام در دادگاه‌های مسکو بود، و با پیروانی که که علناً ادعا می‌کرد روابطش را قطع کرده، مخفیانه تماس داشته است.

آرک گتی (Arch Getty) کشف نمود که تروتسکی به‌طور خاص با کارل رادیک (Karl Radek) تماس داشته است، درحالی‌که وی و رادیک در ملاً عام به یک‌دیگر حمله می‌کردند. این کشفیات ثابت می‌کند که تروتسکی در سال ۱۹۳۷ در شهادتش به کمیسیون دیوئی (Dewey Commission) عمدتاً دروغ گفته است. (۱) این مقاله ثابت می‌کند که شواهد درک متعارف از حذف برخی از تروتسکیست‌ها طی جنگ داخلی اسپانیا به دست کمیساریای خلق در امور داخلی (NKVD)، پولیس امنیتی شوروی و کمونیست‌های اسپانیایی را تغییر می‌دهد، در هر دو، به‌خاطر نقش آن‌ها در شورش روزهای ماه مه ۱۹۳۷ علیه دولت جمهوری‌خواه، و همچنین به‌جهت تبنای تروتسکیست‌ها و خود تروتسکی با فاشیست‌ها علیه اتحاد شوروی.

### این مقاله به چهار نکته اصلی اشاره می‌کند:

- (۱) در واقع، عوامل المانی و فرانکوئیست در شروع شورش «روزهای ماه مه بارسلون» از ۳ تا ۷ ماه مه ۱۹۳۷ علیه دولت جمهوری‌خواه درگیر بودند.
- (۲) یک‌نفر یا بیش‌تر از نمایندگان تروتسکی در طراحی، کارزار، و حمایت بسیار زیاد از شورش روزهای ماه مه بارسلون در سال ۱۹۳۷ درگیر بودند.
- (۳) کشف توطئه نظامی در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی معروف به «ماجرای توخاچفسکی» (Tukhachevsky Affair)، اخگری بود که موجب حمله مصمم شوروی علیه تروتسکیست‌ها در اسپانیا شد.
- (۴) تروتسکی با پنهان‌کردن توطئه‌هایش از حامیان خود، آن‌ها را در معرض خطر بزرگ قرار داد. ادعاهای مکرر تروتسکی جهت بی‌گناهی اش، آندرس نین (Andres Nin)، اروین ولف (Erwin Wolf)، و کورت لاندو (Kurt Landau) را متقاعد ساخت که اتهامات مطرح شده در دادگاه‌های مسکو علیه تروتسکی نارواست.

### ۱) نقش المان در شورش روزهای ماه مه

پاول سودوپلاتوف (Pavel Sudoplatov)، بین سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۳۹، دست‌یار رئیس اطلاعات خارجی شوروی - اولین اداره اطلاعات کمیساریای خلق در امور داخلی (NKVD)، پولیس امنیتی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بود. وقتی که لاورنتی بریا (Lavrentii Beria)، کمیساریای خلق جهت امور داخلی در سال ۱۹۳۹، سودوپلاتوف را مسئول عملیات اوتکا «Operatsia Utka»، ترور تروتسکی نمود (۲)، سودوپلاتوف در یادداشت سرویس اطلاعات و کرملین، موارد زیر را بیان نمود:

گفته شده که منافع موقعیت سیاسی فعالیت‌های تروتسکی و پیروانش در خارج از کشور در سال‌های ۱۹۳۰ فقط جنبه تبلیغاتی داشته است. اما این حقیقت ندارد. تروتسکیست‌ها همچنین درگیر فعالیت‌های عملی بودند. آن‌ها در سال ۱۹۳۷، با استفاده و پشتیبانی از اشخاص مرتبط با اطلاعات ارتش المان ابویر [the <Abwehr>]، شورشی را علیه جنبش جمهوری‌خواه در بارسلون سازمان‌دهی کردند.

از محافل تروتسکیستی در سرویس های اطلاعاتی ویژه فرانسه و المان، اطلاعاتی به دست آمد که «نشان دهنده» نگرانی اقدامات احزاب کمونیست در حمایت از اتحاد جماهیر شوروی است. شولتز- بویسن (Schulze-Boysen) در مورد ارتباط رهبران تروتسکیست با شورش بارسلون در سال ۱۹۳۷ به ما اطلاع داد ... گشتاپو پس از دستگیری، وی را متهم نمود که اطلاعات ارتباط تروتسکیست ها با شورش را به ما منقل نموده است، و این حقیقت در حکم مرگ وی توسط دادگاه هیتلری در پرونده اش رقم خورد. (سودوپلاتوف، ۱۹۹۷، صفحه ۵۸ (۳) محتویات واقعی دادگاه نظامی رایش المان (Military Court of the Reich) علیه هارو شولتز- بویسن منتشر شده بود. شولتز- بویسن یک افسر لوفت وافه (Luftwaffe) و عضو گروهی از جاسوس های ضدنازی «ارکستر سرخ» (Red Orchestra)، روت کاپله (Rote Kapelle) بود که اطلاعات را طی جنگ جهانی دوم به شوروی منتقل می کرد. (۴) وی و همسرش، لیبرتاس (Libertas)، در دسامبر ۱۹۴۲، به اتهام جاسوسی برای اتحاد شوروی محکوم و اعدام شدند.

در پاراگراف مرتبط چنین می خوانیم:

متهم در حین کار در آغاز سال ۱۹۳۸، در طول جنگ داخلی اسپانیا، در مقام رسمی خود در همکاری با سرویس مخفی المان متوجه شد که قیامی علیه دولت سرخ محلی در منطقه بارسلون آماده می شود. وی این پیام را به همراه پولنیتز (Pöllnitz) به سفارت شوروی در پاریس فرستاد.

این اطلاعات، همراه با آنی که ون پولنیتز داشت، توسط وی به سفارت شوروی به پاریس فرستاده شد.

(Haase) هاآسه، ۱۹۹۳، صفحه ۱۰۵)

«پولنیتز»، جزیلا ون پولنیتز بود، که بتازگی توسط حلقه جاسوسی ضدنازی شوروی به نام «ارکستر سرخ» استخدام شده بود، برای یونایتد پرس (United Press) کار می کرد و به سفارت شوروی گزارش می داد. دادگاه المان چند چیز را اشتباه گرفت: سال جاسوسی ۱۹۳۷ بود، نه ۱۹۳۸، و سفارت شوروی در برلین بود، نه در پاریس، زیرا پولنیتز توسط گشتاپو دستگیر شده بود. وی سریعاً آزاد شد. (بریساک (Bryzac، ۲۰۰۰، صفحه ۲۳۷) وقتی که که وی خاطراتش را در سال های ۱۹۹۰ نوشت، سودوپلاتوف از خیلی از کارهایی که در سرویس مخفی شوروی انجام داده بود، پشیمان بود. اما با این وجود، هنوز پافشاری می کرد که تروتسکیست ها در شورش روزهای ماه مه در بارسلون در سال ۱۹۳۷ با نازی ها همکاری داشتند.

اطلاعات دادگاه نظامی المان تأکید مستقلی از اظهاریه سودوپلاتوف ارائه می دهد و سوءظن کمونیست ها بر دست داشتن اطلاعات المان در طراحی شورش بارسلون در ماه مه را تصدیق می کند.

مطابق با گفته سفیر المان در اسپانیا، جنرال ویلهم فاوپل (General Wilhelm Faupel)، خود فرانکو (Franco) ادعا نمود که عواملش در تحریک این شورش درگیر بودند.

متعاقب این هرج و مرج در بارسلون، فرانکو به من اطلاع داد که نبردهای خیابانی توسط عواملش شروع شده است. همان طوری که نیکلاس فرانکو (۵) به من گفت، آن ها در کل ۱۳ مأمور در بارسلون داشتند... مأموران موفق شدند ظرف چند روز، پس از دریافت چنین دستوراتی، تیراندازی خیابانی را با سه الی چهار نفر شروع نمودند، و این امر متعاقباً نتیجه دل خواهی به همراه داشت. (کریگ- Craig، ۱۹۵۱، شماره ۲۵۴، صفحه ۲۸۶).

۲) نقش تروتسکیست ها در شورش روزهای ماه مه

هنگام دومین دادگاه «مرکز تروتسکیستی ضد شوروی» در مسکو که از ۲۳ تا ۳۰ جنوری ۱۹۳۷ برگزار شد، المان هیتلری بشدت از نیروهای فرانکو علیه جمهوری اسپانیا حمایت می‌کرد، درحالی‌که اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی تنها حامی مهم خودجمهوری بود. طی محاکمه، مستقیماً دوبار به جنگ داخلی اسپانیا اشاره شد. در جلسه غروب ۲۸ جنوری، آندری ویشینسکی (Andrei Vyshinsky) در جریان جمع‌بندی خود، پیام تکان‌دهنده ستالین به خوزه دیاز (José Diaz)، صدر حزب کمونیست اسپانیا را اعلام نمود، که ستالین در آن هدف جمهوری اسپانیا را به عنوان «آرمان مشترک کل پیش‌رفت و ترقی بشریت» تعریف کرده است.» (گزارش، ۱۹۳۷، صفحات ۵۰۸ تا ۵۰۹؛ پروتسیس-Protssess، ۱۹۳۷، صفحه ۲۰۶)

شورش روزهای ماه مه بارسلون، قیامی علیه دولت جمهوری خواه طی جنگ داخلی توسط آناتیسیت‌ها و سوسیالیست‌های ضد شوروی، از جمله پیروان تروتسکیستی پوم (POUM – حزب کارگران مارکسیست متحد) (۶) بود. گزارش فوایل (Faupel) و اسناد دادگاه نظامی المان ثابت می‌کند که فرانکو و متحدان المانی وی به طور طبیعی این شورش را برای خود خیلی مطلوب در نظر می‌گرفتند.

یکی از برجسته ترین مدافعان تروتسکیست، کارل رادیک (Karl Radek) بود. وی یکی از پیروان اصلی تروتسکی درون رهبری شوروی از اوائل سال‌های ۱۹۲۰ بود (۷) رادیک مانند سایر پیروان تروتسکی علناً «تسلیم» شده – قول داده بود که بی‌خیال تبعیت از تروتسکی شود و از سیاست‌های ستالین پیروی نماید – اما در خفاء یک تروتسکیست فعال باقی‌مانده بود. وی و سایر متهمان بلندیپاه در محاکمه جنوری ۱۹۳۷، یوری پیاتاکف (Yuri Piatakov)، درباره خیانت تروتسکی با ستاد کل المان آگاه شده بودند و مصمم شدند که آن‌ها نمی‌توانند به تبعیت از تروتسکی ادامه دهند. رادیک طی محاکمه، مستقیماً به «عناصر تروتسکیست» در سایر کشورها، از جمله اسپانیا استدعا نمود: [ما] باید به عناصر تروتسکیست در فرانسه، اسپانیا و سایر کشورها گوش‌زد کنیم – که تجربه انقلاب روسیه ثابت نموده که تروتسکیسم جنبش کارگری را نابود می‌کند – و چنین هستند. ما باید به آن‌ها هشدار دهیم که اگر آن‌ها از تجربیات ما عبرت نگیرند، سر خودشان را به باد می‌دهند. (گزارش، ۱۹۳۷، صفحه ۵۵۰؛ پروتسیس-Protssess، پروتسیس-Protssess، ۱۹۳۷، صفحه ۲۳۱).

ستالین در پلنوم کمیته مرکزی فیبروری – مارچ ۱۹۳۷ در مسکو، دو سخنرانی ایراد نمود. ستالین در نخستین سخنرانی، همان طوری که انتظار می‌رفت دشمنی شدیدی علیه تروتسکی و حامیانش بیان نمود.

استقرار مجدد کاپیتالیزم، منحل کردن مزارع اشتراکی و دولتی، استقرار مجدد سیستم استثماری، اتحاد با نیروهای فاشیستی المان و جاپان جهت نزدیک‌تر کردن جنگ علیه اتحاد شوروی، تلاش جهت جنگ و علیه سیاست صلح، تجزیه قلمرو اتحاد شوروی، دادن اکراین به المانی‌ها و استان‌های بحری به جاپانی‌ها، تدارک شکست نظامی اتحاد شوروی در صورت حمله دشمن به ما، و به‌منظور دسترسی به این امر مهم (تحمیل‌ها)، نابودی، منحرف کردن، ترور فردی رهبران دولت شوروی، جاسوسی به‌خاطر منافع نیروهای فاشیست جاپانی و المانی – مانند پلاتفرم سیاسی کنونی تروتسکیسم که توسط پیاتاکف، رادیک و سوکولنیکیف پیش‌نهاد شد. (ستالین، ۱۹۳۷، صفحه ۱۷)

خیانت تروتسکی با المان و جاپان برای ستالین و رهبری شوروی، یک واقعیت ثابت شده بود تا براساس آن عمل کنند. به لطف مدارک انتشار یافته توسط آرشیو شوروی سابق، ما اینک مدارک زیادی داریم که در واقع تروتسکی با المانی‌ها و جاپانی‌ها توطئه کرده بود. (فور، ۲۰۱۷) ستالین در سخنرانی ۳ مارچ ۱۹۳۷، در پلنوم کمیته مرکزی مشخصاً انترناسیونال جدید چهارم تروتسکی را به‌عنوان یک تهدید مداوم اعلام نمود:

جهت نمونه، انترناسیونال چهارم ضدانقلاب تروتسکیستی را در نظر بگیرید که دوسوم آن متشکل از جاسوس‌ها و عوامل توطئه‌گر و خرابکارند. آیا این انترناسیونال عوضی نیست؟ آیا روشن نیست که در این انترناسیونال، نیروهائی جهت انجام کارهای جاسوسی و خرابکاری تروتسکیست‌ها استخدام می‌کند؟ (ستالین، ۱۹۳۷، صفحه ۳۴)

علی‌رغم آسیب‌های بزرگی که عدهٔ قلیلی از جاسوس‌ها و خرابکارها، حتی بدون یک پای‌گاه در طبقهٔ کارگر می‌توانستند وارد سازند، اما با این‌حال، ستالین خواهان «روی‌کردی فردی و متفاوت» در مقابله با افرادی شد که در گذشته تمایلات تروتسکیستی داشتند.

اما سؤالی که می‌ماند، این‌ست که چگونه بتوانیم در عمل، وظیفهٔ از هم‌پاشیدن و نابودی کامل عوامل المانی و جاپانی تروتسکیسم را انجام دهیم. آیا این به معنای این‌ست که نه فقط ما باید با تروتسکیست‌های واقعی برخورد کنیم، بلکه همچنین کسانی را ریشه کن سازیم که زمانی نسبت به تروتسکیسم تردید داشتند، و سپس مدت‌ها پیش از تروتسکیسم بریده اند؛ نه فقط آن‌هائی که واقعاً عوامل تروتسکیستی برای خرابکاری هستند، بلکه آن‌هائی را نابود کنیم که روزگاری از مسیر خیابانی که چند تروتسکیست یا دیگران یکبار (از آن‌جا) عبور کرده اند؟ با این‌حال، چنین صداهائی در این‌جا در پلنوم شنیده شد. آیا ما می‌توانیم چنین تعبیری از قطعنامه را درست در نظر بگیریم؟ نه‌خیر، ما نمی‌توانیم.

در بارهٔ این سؤال، مانند سؤال‌های دیگر، باید یک روی‌کرد فردی، متفاوت وجود داشته باشد. نباید همه را با یک چوب راند. چنین روی‌کرد فراگیری می‌تواند به هدف مبارزه علیه خرابکارها و جاسوس‌های واقعی تروتسکیستی زیان برساند. (ستالین، ۱۹۳۷، صفحات ۴۴-۴۵)

در ادامه ستالین اهمیت تروتسکیست‌ها را به‌عنوان یک نیرو، ناچیز شمرد.

... اگر علی‌رغم این، خرابکارهای تروتسکیستی توانستند ذخایری در اطراف حزب ما داشته باشند، به‌خاطر این‌ست که سیاست غلط برخی از رفقای ما دربارهٔ موضوع اخراج از حزب و بازگرداندن افراد اخراجی، برخورد بی‌رحمانهٔ برخی از رفقاء نسبت به سرنوشت فردی اعضاء و کارگران حزب، باعث شد که به‌طور مصنوعی شماری از افراد ناراضی و تحریک شده به وجود آید و بدین‌صورت این ذخایر برای تروتسکیست‌ها فراهم شد. (ستالین، ۱۹۳۷، صفحات ۶۰-۶۱) (۵)

ستالین در اوایل مارچ ۱۹۳۷ بشدت علیه هر نوع فضای «اذیت و آزار بدون دلیل کافی» علیه تروتسکیست‌ها صحبت می‌کرد، درحالی‌که همان‌زمان به مخاطبانش دربارهٔ خطر تروتسکیست‌ها به‌عنوان جاسوس و خرابکار هشدار می‌داد. خطری که با شهادت متهمان در محاکمهٔ جنوری ۱۹۳۷ تقویت شد. همهٔ این‌ها بعد از چندماه تحت تأثیر دو سری از اتفاقاتی که ستالین و رهبری شوروی آن‌ها را به‌هم و همچنین مرتبط به توطئه‌هائی می‌دانستند که متهمان در محاکمهٔ جنوری ۱۹۳۷ بدان‌ها اقرار نمودند، (شرایط) به‌طور دراماتیکی تغییر یافت.

شورش روزهای ماه مه در بارسلون یکی از این‌ها بود. شوروی‌ها مطلع شدند که عوامل فرانکو، هیتلر و تروتسکی عمیقاً در آن شورش درگیر بوده اند. دومی، «جریان توخاچوسکی (Tukhachevsky Affair) بود. در نتیجهٔ تحقیق، بازداشت، بازجوئی و دادرسی، هشت فرمانده بلندپایهٔ اتحاد شوروی که در ائتلاف با المان هیتلری و تروتسکی به توطئه علیه اتحاد شوروی اقرار نمودند، محکوم به اعدام شدند.

### ۳) شورش روزهای ماه مه بارسلون

یک شورش مسلحانه علیه دولت جمهوری کاتالونیا (Catalonian) به رهبری آنارشیست ها و پوم (POUM)- حزب کارگران مارکسیست متحد (Partido Obrero de Unificación Marxista) در اوایل ماه مه ۱۹۳۷ آغاز شد. جان کوستیلو (John Costello) و اولیگ تساریف (Oleg Tsarev)، مختصر و مفید پوم را تعریف کرده اند: ... گروه مارکسیست‌های انقلابی کاتالونیایی به ستالین اعلان جنگ داده، و دیکتاتور شوروی را با ایجاد «یک رژیم بوروکراتیک زهرآگین» در خیانت به انقلاب متهم کرده اند.

مارکسیست‌های رادیکال اسپانیایی با اصرار رهبرشان آندرس نین (Andrés Nin)، از تروتسکی دعوت نمودند تا در بارسلون زندگی کند، و ضرورت سرنگونی دولت «دمکراسی بورژوائی» تحت حمایت کمونیست‌های جبهه توده نئی جمهوری اسپانیا را اعلام نماید. (کوستیلو و تساریف، ۱۹۹۳، صفحه ۲۸۰) (۸)

آندرس نین، یکی از رهبران پوم، و دبیر سابق تروتسکی بود. (۹) نین آشکارا «تسلیم» شده و با تروتسکی قطع رابطه کرده بود. اما، شوروی‌ها می‌بایست احمق بوده باشند تا باور کنند که این جدائی ظاهری، صادقانه یا واقعی باشد. پی یر برو (Pierre Broué)، تاریخ‌دان بسیار برجسته تروتسکیست دوران خود، اشاره نمود که خود نین مطرح کرد که «تسلیم» همه تروتسکیست‌های دیگر نیز دروغ است.

پی یر برو نوشت: لیو وسدوف (Lev Sedov)، گروه اسمیرنوف (Smirnov) یا «تسلیم شدگان سابق» یا «تروتسکیست‌های تسلیم شده» اعلام کرده است، هرکسی می‌دانست که از سال ۱۹۲۹ به بعد، افراد گروه اسمیرنوف واقعاً تسلیم نشده بودند، اما تلاش می‌کردند دست‌گام را گول بزنند، و قادر به سازماندهی خود به عنوان یک ایوژیسون درون حزب بودند: حقیقت اینست که همگان در سطح جهانی می‌دانستند که آندرس نین، اسپانیایی اخراج شده از اتحاد شوروی در اگست ۱۹۳۰، آشکارا به رفقای المانی خود که اعلامیه وی را بدون مشکل ظاهری منتشر کردند، این را در انقلاب مداوم توضیح داد. (برو، ۱۹۹۰، صفحه ۱۰۴) (۱۰)

آرک گتی (Arch Getty)، محقق امریکایی شواهد مستندی در آرشیو تروتسکی هاروارد (Harvard) پیدا نمود که اظهارات جدائی پُرهباهوی تروتسکی با رادیک، سوکولنیکف و پروبرازنسکی (Preobrazhensky)، حیل‌هائی جهت نماندن توطئه‌های مخفیانه با آن‌ها بوده است. طبیعتاً شوروی‌ها مظنون می‌شدند که جدائی نین با تروتسکی هم پوششی جهت ادامه خیانت بوده است. از نظر تکنیکی، پوم یک حزب تروتسکیستی نبود.

### ۴) پوم (POUM)- حزب کارگران مارکسیست متحد و تروتسکی

از نظر تکنیکی، پوم یک حزب تروتسکیستی نبود. اما، به اندازه کافی به تروتسکی و تروتسکیست‌ها نزدیک بود و خیلی‌ها این‌گونه تصور می‌کردند.

\* پوم از یک گروه تروتسکیست و «بلوک کارگر و دهقان» (Bloc Obrer i Camperol) وابسته به اپوزیسیون راست تشکیل شده بود.\*

نبرد (La Batalla)، روزنامه پوم اولین دادگاه مسکو در اگست ۱۹۳۶ را محکوم نمود:

ما سوسیالیست‌های انقلابی، مارکسیست هستیم. ما به نام سوسیالیسم و طبقه کارگر انقلابی، علیه جنایات وحشتناکی که بنازگی در مسکو اعمال شده، اعتراض می‌کنیم.

وصف اولین دادگاه مسکو به عنوان «جنایت وحشتناک» ثابت نمود که رهبران پوم، تجزیه و تحلیل‌شان را مستقیماً از تروتسکی می‌گرفتند.

\* نبرد (La Batalla) نیز از تروتسکی در همراهی با لنین چاپلوسی می‌کرد و علناً ستالین را نادیده می‌گرفت. تروتسکی برای ما، همراه با لنین، یکی از چهره‌های بزرگ انقلاب اکتوبر و یک نویسنده بزرگ انقلابی سوسیالیست است. ما در عین مخالفت با برخی از نظرات تروتسکی، اما بدون پنهان‌کاری، با وی که مورد توهین و تعقیب قانونی قرار گرفته، ابراز همبستگی می‌کنیم. (آلبا و شوارتز، ۱۹۸۸، صفحه ۱۳۲)

\* پوم با اصرار نین، به دعوت از تروتسکی جهت آمدن و زندگی در اسپانیا رأی داد. طبق گفته آلبا (Alba) و شوارتز (Schwartz):

از اوایل اگست [۱۹۳۶] وی [نین] به هیأت اجرائی پوم پیش‌نهاد کرده بود، از آنجائی‌که تروتسکی در تبعید در ناروی (Norway) است و جایی برای رفتن ندارد و از طرف خیلی از کشورها پذیرفته نشده، پوم باید در کل پیشنهاد کند که به تروتسکی در کاتالونیا پناهندگی داده شود... هیأت اجرائی این پیش‌نهاد را پذیرفت... (۱۱)۱۶۶

\* زمانی‌که نین در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی زندگی می‌کرد، از پیروان تروتسکی و اعضای اپوزیسیون چپ بود. پس از بازگشت به اسپانیا یکی از چهره‌های کلیدی ایجاد گروه تروتسکیست اسپانیائی، چپ کمونیست اسپانیا شده بود.

\* گروه «دفاع از خود» پوم، مأمور شوروی، نارویچ (Narvich) را به قتل رساند. (آلبا و شوارتز، ۱۹۸۸، صفحه ۱۳۴) (۱۲)

این واقعیت‌ها را می‌توان در کتاب مارکسیسم اسپانیائی آلبا و شوارتز علیه کمونیسم شوروی پیدا نمود. پیشینه پوم. این کتاب بشدت ضدستالین است و در آن نویسنده‌ها تلاش می‌کنند از کمونیست‌ها و شوروی‌ها انتقاد کرده، و بر سرشت «غیرتروتسکیستی» پوم اصرار ورزند.

به‌هرحال پوم تنها از نظر مفهوم رسمی «غیرتروتسکیستی» بود. اگر شخص حزبی را تصور کند که در بالا توصیف شد، اما «ستالین» را جای‌گزین «تروتسکی» نماید، می‌تواند ببیند که این‌ها انواع ویژگی‌هایی هستند که یک حزب غیر کمونیستی را «ستالینیست» بنامد یا «جبهه کمونیستی» تعریف کند، که با همان شیوه هم می‌توان، پوم را «تروتسکیست» نامید یا یک «جبهه تروتسکیستی» در نظر گرفت.

بنابه گفته برو (Broué)، در سال ۱۹۳۶ پیروان تروتسکی به وی گزارش دادند که اغلب «میلیتانت‌های» پوم در بارسلون در واقع تروتسکیست هستند. (برو، ۱۹۸۲، صفحه ۷۷) بنابراین، تعجبی ندارد که تروتسکی، اروین ولف (Erwin Wolf) را به‌عنوان مأمورش به اسپانیا فرستاد.

یکی دیگر از دلایل پیوستن پوم به تروتسکی، حضورش در روزهای ماه مه ۱۹۳۷ بارسلون بود. این شورش علیه جمهوری طی جنگش علیه فاشیست‌ها عیناً همان چیزی بود که متهمان تروتسکیست در دومین دادگاه مسکو در جنوری ۱۹۳۷ اقرار نموده بودند و این‌که آن‌ها، همراه با المانی‌ها و تحت رهبری تروتسکی، در صورت تهاجم اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، نقشه کشیده بودند.

پیاتاکف (Pyatakof): در پایان سال ۱۹۳۵، رادیک یک نامه - دستورالعمل بلندبالا از تروتسکی دریافت نمود ... موضوع اعتراف به شکست، فعالیت‌های خرابکارانه نظامی، در زمان جنگ، هم مستقیم از نزدیک و هم از عقب به ارتش ضربات قاطع زدن ...

در صورت حمله نظامی، نیروهای خرابکار سازمان‌های تروتسکیستی که در درون کشور عمل می‌کنند، باید با نیروهای بدون عمل تحت رهبری فاشیسم المان، هم‌آهنگ شوند. فعالیت‌های انحرافی و خرابکارانه‌ای که به وسیله سازمان تروتسکیستی- زینوویویت (Trotskyite-Zinovievite) در درون اتحاد شوروی رهبری می‌شود، باید تحت دستورالعمل تروتسکی، انجام گیرد، و باید با ستاد کل المان هم‌آهنگ گردد. (گزارش، ۱۹۳۷، صفحات ۵۶-۵۵؛ ۶۵)

اینک ما می‌دانیم که مأموران المان و فرانکوئیست (Francoist)، با پوم و سایرین در تحریک شورش روزهای ماه مه درگیر بودند. کمونیست‌های شوروی و اسپانیا آن موقع این‌را می‌دانستند.  
ادامه دارد